

با نیروی همبستگی طبقاتی، تمامی رفقایمان را آزاد خواهیم کرد!

بیش از یک ماه از بازداشت و ربودن بیش از ۳۰ تن از دانشجویان چپ و آزادی خواه در آستانه ی برگزاری مراسم بزرگداشت ۱۶ آذر، روز دانشجو، می گذرد. روزی که در سرتاسر تاریخ جنبش دانشجویی در ایران، همواره به عنوان نمادی برای ستیز و پیکار علیه مناسبات سرمایه سالار و مستبدانه ی حاکم، شناخته می شده است. اما این بازداشت ها به خوبی نشان دهنده ی این واقعیت است که بورژوازی و حکومت اسلامی از جنب و جوش جنبش های رادیکال اجتماعی در هراس است. چرا که این جنبش ها مصمم به رجوع به خواست رادیکال توده های مردم برای ایجاد دنیایی بهترند. ترس حکومت اسلامی از نیرویی است که عزم کوتاه کردن دست کلیت سرمایه را از جان انسان ها دارد و در برابر تمامی مناسبات غیر انسانی قد علم می کند.

اما اکنون با توجه به وضعیت فوق العاده ی موجود و اینکه تا کنون و بعد از گذشت بیش از یک ماه از دستگیری رفقایمان، حتی هیچ گونه نشانه ای از بهبود وضعیت شان مشاهده نمی شود، باید با توجه به تمامی اقدامات صورت گرفته و نگرفته در یک ماه گذشته در راستای آزادی هر چه سریعتر این دانشجویان، گام های عملی مستحکمی برداشت. لذا چپ کارگری دانشگاه های ایران با نگاهی به یک ماه گذشته و حوادث و اتفاقات رخ داده طی آن، ارزیابی مختصر زیر را در این راستا ارائه می دهد.

در بیش از یک ماهی که از بازداشت رفقایمان می گذرد، شاهد اقدامات و فعالیت های گوناگونی از سوی طیف ها، جریانات و جمع های مختلفی بوده ایم. از جمله ی این اقدامات صورت پذیرفته، صدور بیانیه ها و اعلام حمایت از سوی بسیاری از نهادهای دموکراتیک، چپ و آزادی خواه بوده است. به ویژه اعلام حمایت بسیاری از کارگران و تشکل های کارگری از دانشجویان بازداشت شده که خود نشان از تعمیق مبارزات جنبش دانشجویی ایران بر بستری رادیکال و تاثیرگذار دارد. اعلام حمایت کارگران مجتمع های پتروشیمی بندر امام، فجر، اروند، فن اوران، فارابی، کارون و غدیر، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری، اتحاد کمیته های کارگری، انجمن فرهنگی-حمایتی کارگران، کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران ایران خودرو، اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، کمیته دفاع از محمود صالحی، جمعی از فعالین کارگری، کارگران کارخانجات و مجتمع های صنعتی شهر تبریز و کارگران پالایشگاه گاز فازهای ۹ و ۱۰ عسلویه تنها مواردی معدود از این حمایت هاست. پس از مطرح شدن شعار "اتحاد جنبش های اجتماعی با محوریت جنبش طبقه ی کارگر" در طول یک سال گذشته در دانشگاه و اقدامات صورت پذیرفته در راستای اجرایی شدن این امر و وارد شدن به فاز عملی این اتحاد، از جمله برپایی صندوق حمایت از کارگران زندانی، اکنون شاهد آن هستیم که بسیاری از کارگران و تشکل های کارگری موجود به حمایت از جنبش دانشجویی در مقابل استبداد حاکم برخاسته اند و شاهد صفوف متحد پرولتاری در مقابل سرکوبگری حاکمیت لجام گسیخته ی سرمایه سالار و منفعت نگر جمهوری اسلامی هستیم.

از دیگر اقدامات صورت گرفته می توان به پیگیری های رفقای دانشجو و ترتیب دادن آکسیون های حمایتی از دانشجویان اشاره داشت. از دیگر سو، پیگیری های خانواده های دانشجویان دربند نیز در این راستا بسیار مهم بوده است. از جمله ی این اقدامات می توان به برپایی تجمع و تریبون آزاد در اعتراض به بازداشت های اخیر و فضای امنیتی دانشگاه ها، ترتیب دادن اعتصاب غذا در دانشگاه اصفهان، پیگیری های هر روزه ی خانواده ها، برگزاری تجمع از سوی خانواده ها در اعتراض به بازداشت فرزندانشان، اقدام به سازماندهی کمپین های اعتراضی و جمع آوری امضا، صدور بیانیه و اعلام حمایت از سوی بسیاری از گروه ها، تشکل ها، فعالین مستقل و دانشجویان چپ و ... اشاره داشت. اما نکته ای که در این بین بسیار حائز اهمیت است، ایجاد و تقویت اتحاد و پرهیز از هر گونه تشتت و اقدامات تفرقه انگیز در صفوف دانشجویان مبارز است. بی گمان ناگفته پیداست، که چپ در دانشگاه های ایران به یک گروه، طیف یا جریان فکری ختم نمی شود و در خود از بسیاری از جریانات مختلف با نظرگاه های متفاوت، شکل یافته است. در بین رفقای بازداشتی نیز، دانشجویانی از بسیاری از طیف های نظری و سیاسی وجود دارند. اما متأسفانه بعضا شاهد آنیم که عده ای از رفقا با بی توجهی به این نکته تمامی دستگیر شدگان را متعلق به یک جریان و طیف سیاسی معرفی می کنند. در حالی خوشبینانه و همانگونه که خود نیز بر این نکته اذعان دارند، این اقدام را از سوی این رفقا می توان با هدف ایجاد اتحاد در صفوف دانشجویان چپ ارزیابی نمود. در این رابطه باید این توضیح را بدهیم که این تعبیر از اتحاد عمل استراتژیک بسیار سطحی است. از آن رو که گمان می کند که با معرفی تمام دانشجویان بازداشتی با یک اسم است که خواهد توانست، به این اتحاد جامه ی عمل بپوشاند. یکسان سازی و یونیفرم یک جریان خاص را پوشاندن به

تمام دانشجویان مبارز، نه تنها بر یکپارچگی و اتحاد در بین دانشجویان نمی افزایند، که اساساً این اقدامات از نظر عملی نتیجه ای جز از بین رفتن این اتحاد نخواهد داشت. از نظر ما گامی عملی در راستای ایجاد و تقویت بنیان های این اتحاد، تنها زمانی برداشته خواهد شد، که نه تنها سعی بر یکسان سازی جریانات دیگر صورت نگیرد، بلکه دقیقاً بالعکس این اختلافات سیاسی و نظری تایید شود، گروه ها و جریانات مختلف با نظرگاه های متفاوت همدیگر را به رسمیت بشناسند و در عین حال بر این نکته تاکید شود که این اختلافات توان ایجاد هیچ گونه خللی در مبارزه ی متحدانه بر علیه استبداد سرمایه سالار از سوی تمامی دانشجویان مبارز و جریانات چپ را ندارد. و تنها در این صورت است که خواهیم توانست در عین اختلافات دست در دست هم در مقابل حاکمیت مستبد اسلامی بایستیم.

از دیگر اقدامات مثبت صورت پذیرفته نیز می توانیم به برگزاری آکسیون های حمایتی در بسیاری از کشورهای جهان در حمایت از دانشجویان دربند و نیز فعالان اجتماعی ایران از جمله محمود صالحی و منصور اسالو اشاره کنیم.

اما در کنار تمام نکات ذکر شده در مورد این فعالیت ها، اساسی ترین و بنیانی ترین مسئله در رابطه با اقداماتی که باید صورت گیرد، سعی در ایجاد، تقویت و تعمیق اتحاد طبقاتی حول منافع طبقاتی جنبش کارگری به عنوان یگانه جنبشی که از پتانسیل لازم برای محوریت جنبش های اجتماعی در جهت ایفای نقشی رادیکال در راستای تغییری بنیادین و ریشه ای، برخوردار است، می باشد. چرا که تنها این طبقه است که توان رهبری جنبش های اجتماعی را در مسیری متعین و مشخص علیه مناسبات غیر انسانی سرمایه داری دارد. "تنها از ادیخواه پیگیر پرولتاریاست". چرا که تنها پرولتاریا است که توان رهایی انسان را با رها ساختن خود از زنجیرهای رادیکالش دارد.

راهکار بازداشت، ربودن و زندانی کردن فعالین جنبش های اجتماعی برای ممانعت از برگزاری آکسیون های اعتراضی، مسئله ای تازه در مبارزات انسانی و حق طلبانه ی مردم ایران نیست. همه ی ما در طی چند سال اخیر شاهد همین برخوردها با جنبش های کارگران، زنان، معلمان و دیگر جنبش های اجتماعی پیشرو بوده ایم. شاهد بازداشت و به زندان افکندن فعالین و پیشروان این جنبش ها در آستانه ی برگزاری مراسم هایی چون روز جهانی کارگر و روز جهانی زن بوده ایم. اما اکنون باید از آقایان این سؤال را پرسید که آیا ایجاد این فضای رعب و وحشت هیچ گاه توانست، مانع از برگزاری این مراسمات و پیشروی جنبش های اجتماعی شود؟ آیا زندان، تبعید، اعدام و هر آنچه از ابزار سرکوب که در دست خود دارید، توانست جنبش توده های تحت ستم را از حرکت باز ایستاند؟ اکنون ۱۰ ماه از به زندان افکندن محمود صالحی، فعال کارگری شناخته شده و سپری این مدت در بدترین شرایط زندان های جمهوری اسلامی می گذرد. جرم وی تنها برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه، روز جهانی کارگر بود. اکنون که صالحی در بدترین وضعیت جسمی ممکن در زندان است، همانطور که خود می گوید، ما نیز با حاکمان مستبد می گوئیم که اطمینان داشته باشید، هر قطره اشکی که از چشمان یک زن، یک کودک و یا مردی سرازیر شود را تبدیل به آتشی خواهیم کرد و با آن نظام پوسیده سرمایه داری تان را خواهیم سوزاند.

آقایان! صاحبان و حامیان دیکتاتوری سرمایه!

اگر با سرکوب می شد مانع از پیشروی جنبشی اجتماعی شد که از دل تضادها و تعارضات جامعه ی طبقاتی سر بر می آورد، امروز پس از کشتارهای وحشیانه تان در دهه ی ۶۰، کابوس جنبشی پیشرو، قیلوله تان را آشفته نمی ساخت و تریبونهای رسمی تان را به اعتراف به وجود و رسمیت این جنبش و این اندیشه وانی داشت. آنان که رویای به موزه ی تاریخ سپردن اندیشه کارگری و رادیکال را می دیدند، اکنون با کابوس آن در جنبش دانشجویی و جنبش کارگری و بیم پیوند آن با جنبش زنان و معلمان رو به رویند.

ما خطاب به جنبش های اجتماعی اعلام می کنیم که در این اقدامات سرکوبگرانه و این یورش به فعالان جریانهای مترقی جنبشها، آنان که با گل یاس و تساهل و تسامح به دستگاههای سرکوب حاکمیت برای برخورد با جریانات پیشرو چراغ سبز نشان می دهند هم مسئولند، و نسبت به سوء استفاده های انتخاباتی جریان سید خندان و شیخ اصلاحات و تئوری پردازان چانه زنی از این موضوع هشدار می دهیم. تنها به نیروی مبارزه متحدانه جنبش ها با محوریت طبقه کارگر است که آزادی به دست می آید نه با چانه زنی و نه با دخالت خارجی.

اتحاد، مبارزه، پیروزی

چپ کارگری دانشگاه های ایران - ۱۵ دی ماه ۱۳۸۶

+ نوشته شده در یکشنبه شانزدهم دی ۱۳۸۶ ساعت ۰:۵ توسط